



نشریه ماهانه:
3rd Series, Issue 77
 سری سوم، شماره 77
 98 آذر، November 2019

سردبیر: مینو همتی
 Editor-in-chief: Mino Hemati
 Email: minohemati@gmail.com
 مدیرمسئول: شراره رضایی
 Managing editor: Sharareh Rezaei
 Email: shararehrezai.p@gmail.com



مطالب

نقاشی "خفقان"
 کاری از: مریم "رونیا" رضائی گیوی

حضور گسترده مردم معترض و حق طلب
 همزمان در بیش از یکصد شهر توازن قوا را برهم
 زد
 مصاحبه رهائی زن با آثر مدرسی

برای آگاهی و عدم فراموشی
 سپیده کلیان
 اطلاع رسانی

چرا خشونت علیه زنان؟
 مریم مرادی

گزارشی از وضعیت زنان کردستان
 مرضیه آدمی

نه به قومیت پرستی
 !سحر بابا سلجی

مشکلات همجنسگرایان در ایران
 شیمما مقدم

حمایت از اعتراضات آبانماه در آستانه ۲۵ نوامبر
 روز جهانی منع خشونت علیه زنان
 معصومه توکلی

زندگی زنان در تاریخ بشریت
 ماریا یوسف زی

خسته نباشی بابا!
 کاری از: ماتا نیستانی

"امید"
 شعر از: شراره رضائی

صفحه ی ویژه "گزارش ها و عکس هادر
 حمایت سازمان های خارج از کشور از اعتصابات
 برحق مردم ایران"

◆ راه های تماس با سازمان رهایی زن و
 نمایندگان آن در شهرها و کشورهای مختلف

◆ معرفی سایت های برنامه های تلویزیونی،
 نشریه ها و تلگرام

"دخشان"

کاری از: مریم "رونیا" رضائی گیوی



به نشریه رهایی زن بپیوندید

برای نشریه رهایی زن مطلب و مقالات "اجتماعی، حقوقی، روانشناسی، جامعه شناسی، بهداشتی، تجارب و گزارش های شخصی. از زندگی زنان (خودتان) و کودکان...". شعر، اخبار، گزارش، ترجمه، معرفی کتاب و فیلم های خود را می توانید به آدرس ایمیل های زیر ارسال کنید.
Markazi@RahaiZan.org

**حضور گسترده مردم معترض و حق طلب
همزمان در بیش از یکصد شهر توازن قوا را برهم زد**

برنامه ویژه رهائی زن با آذر مدرسی دبیر کمیته مرکزی حزب حکمتیست (خط رسمی)



<https://youtu.be/shNzmtk-kSQ>

اعتراضات به حق مردم در چند روز اخیر و گستردگی آن در شهرها و استانها بیانگر خشم عمومی مردم از این اقدام راهزنانه رژیم زرو زور و تزویر است. در برنامه ویژه رهائی زن با میهمان عزیز برنامه آذر مدرسی دبیر کمیته مرکزی حزب حکمتیست (خط رسمی) به تحلیل و بررسی این تحولات میپردازیم. آذر مدرسی عزیز به برنامه رهائی زن خوش آمدید

قبل از هر چیز به تمامی مبارزین راه آزادی و برابری درود میفرستیم و امیدواریم بتوانیم پژواک فریادهای عدالتخواهانه مردم به پاخاسته باشیم. در عین حال به خانواده ها و دوستان عزیزان جانباخته از صمیم قلب تسلیت میگوئیم.

مینو همتی: شما به عنوان یک فعال سیاسی و دبیر یک حزب دخیل در مبارزات طبقاتی در ایران، تحول اخیر را چگونه ارزیابی میکنید.

آذر مدرسی: متشکرم، اجازه دهید منم به نوبه خودم درود بفرستم به زنان و مردان آزادیخواهی که این روزها علیه فقر و گرانی و بیکاری و استبداد شهرهای ایران را اشغال کردند و زمین را زیر پای سران جمهوری اسلامی به لرزه در آوردند و همینطور همدردی عمیق خودم و همه رفقا را در این حزب با خانواده جانباختگان، با تم خانواده هایی که

ظاهرا مردم رفتن خونه ها و قبول کردن که نمیتوانند کاری بکنند، اعتراضات این دوره نشون داد که مردم اتفاقا نه فقط به قدرت خودشون، نه فقط به اینکه بگه خشم و نفرت باید به اعتراضات خانمان برانداز برای جمهوری اسلامی تبدیل بشه، بلکه اون خشم تلمبار شده را دارن به اعتراضات گسترده تری تبدیل میکنند و این اون اتفاقیه که امروز داره توی جامعه ایران میفته. بعد از دیماه ما آبان امسال را داریم و آبان امسال رادیکالتر و گسترده تر و ملیتانتر، خیلی قاطعتر از دیماه جمهوری اسلامی را به جدال میطلبد و جمهوری اسلامی داره وحشیانه تر و شدیدتر و با توحش بسیار بیشتری از دیماه داره سرکوب میکنه، آمار کشته شدگان را هیچکس نمیدونه و چیزی که مسلمة حتما صدها کشته هست، چون اخباری که رسیده از شهرهای مختلف 40 تا 50 نفر کشته میگن ولی باید کشته های بیشتری باشه بسیاری از مردم گزارش میدهند که تعداد از اینها بیشتره و تصاویری از اینها که میبینیم، هلیکوپترهایی که روی شهرها به پرواز در آوردن و به مردم معترض را مورد اثابت گلوله قرار میدهند، حاکی از اینست که جمهوری اسلامی به ابعاد خانمان برانداز اعتراض امروز واقفه و عزم جزمی داره که جنگ خودش را با مردم تا آنجا که میتونه وحشیانه و با سرکوب کامل پیش بیره.

مینو همتی: با توجه به قطعی اینترنت و بروز بیرونی در صد کمی از اخبار تحولات، به نظر میرسد توازن قوا در این چند روز در حال تغییر است و دستجات حکومتی سعی میکنند خارج شدن کنترل از دست حکومت را بگردن یکدیگر بباندازند. شما تغییر در این توازن قوا را چگونه میبینید.

آذر مدرسی: ببینید توازن قوا توی ایران منتهاست تحبیر کرده و از دیماه عوض شده و جامعه رابطه دیگری را با جمهوری اسلامی گرفت، جامعه نه تنها متوجه شد و به قدرت خودش آگاه شد که میتونه جمهوری اسلامی را به جدال بطلبه و میتونه حداقل یک هفته ایران را به تصرف خودش در بباره، الان بطور واقعی چیز دیگری را داره تجربه میکنه اینه که اون اعتراض را میشه به شکل سازمان یافته تر و با قدرت بیشتری پیش برد، فاصله دیماه تا آبان خلعی در جامعه ایران نبود. ما در این فاصله شاهد اعتراضات وسیع کارگری بودیم که نه فقط برای رفاه خود کارگر، بلکه برای آزادی، برای آزادیهای سیاسی، علیه فساد، علیه استثمار و اسباباد، جامعه را مخاطب خودش قرار داده بود و تبدیل شده بود به نقطه امیدی برای جامعه ایران جنبش کارگری و طبقه

عزیزانشان را از دست دادن ابراز کنم، تا آنجایی که به اتفاقات اخیر که رخ میدهد، فکر میکنم، هر کسی که اوضاع ایران را تعقیب کرده باشد برآش خالی از انتظار نبود که ما بعد از دیماه شاهد انفجار اجتماعی دیگری در اعتراض به فقر و بلاکتی که جمهوری اسلامی به آن جامعه تحمیل میکند باشیم و همین همینطور در اعتراض به استبدادی که در آن جامعه هست، در نتیجه قابل پیش بینی بود و جمهوری اسلامی خودش میدانست وقتی میخواست قیمت بنزین را بالا ببرد فکر میکرد با اعتراضاتی روبرو میشه، تنها چیزی که انتظارش را نداشت ابعاد اعتراض این بار گسترده تر از دیماه بشه و نه فقط شهرهای حاشیه ای تر، بلکه شهرهای بزرگ مثل تهران، تبریز، شیراز، مشهد و اصفهان و شهرهای دیگر را در بر بگیره. امروز دیگه همگان میگن مهم نیست که دستگاه جمهوری اسلامی، دستگاه سانسورش، سانسور میکنه و یا مانع انتشار این اجبار میشه ولی امروز دیگه همگان این واقعیت را میبینند که اعتراضاتی که امروز هست، ابعاد بسیار وسیعتری دارد و علاوه بر آن و شاید مهمتر از آن اینست که اشکال بشدت ملیتانتری داره به خاطر اینکه خشم انباشه شده از دست حاکمیت 40 ساله جمهوری اسلامی داره، خشمی که در دیماه فقط گوشه هایی از آنرا دیدیم، خشم تلمبار شده ای که داره با فریادهایی که دیگه بسه، قبول نمیکنیم، همونطور که گفتیم و قالب پیش بینی بود که اعتراضات مردم در دیماه اعتراضاتی نبود که فقط چند روزی جهان را لرزاند و جهان را متوجه خودش کرد و گویا

کارگر از دیماه تا آبان مهر خودش را به اون جامعه زد . شخصیت‌های اون جنبش ،شخصیت‌های محبوب و قابل احترامی توی اون جامعه هستند و طبقه کارگر ،بعنوان طبقه ای آلترناتیو خودش با شعارهای خودش با مطالبات خودش با امید به آینده بهتری که با اعتراض خودش به همراه مبارزه نشون داد که میتونه در راس این اعتراضات قرار بگیره و این اون اعتماد به نفس عمیق که هر چند ما شاهد اعتراضات توده ای وسیعی نبوده باشیم در فاصله دی تا آبان امسال ،اما جامعه را با اعتماد به نفس بیشتری به جدال با جمهوری اسلامی میبره ، اینکه اینترنت را قطع میکنند ،و تلاش میکنند که ملت را سرکوب کنند و صدای حق طلبانه مردم به خارج کشور نرسه جهان از توحش جمهوری اسلامی آگاه نشه ،این تلاش بیخودی است ،چون اینقدر امکانات دیگری هست که مردم استفاده میکنند که بستن اینترنت فقط و فقط تونسته گوشه ای از سانسور را تحمیل کنه و امکان اینکه اخبار سریعتر بدست مردم در جاهای مختلف برسه را محدود کرده و بطور واقعی اینه که اون صدای حق طلبانه به بیرون برسه ،امکانش را نداره جمهوری اسلامی ،علاوه بر اینی که خود مردم تلاش میکنند که اخبار اعتراضاتشان را به خارج کشور برسانند ،احزاب سیاسی ،نیروهای سیاسی ،مثل ما با اطلاعی که از اوضاع در ایران داریم خود ما صدای حق طلبانه مردم ایران را در خارج کشور را به طبقه کارگر در کشورهای مختلف و به سازمانهای کارگری و به نهادهای آزادیخواه و مدافعان حقوق انسانی داریم . منعکس میکنیم و تلاش میکنیم که ته آنجا که قدرت داریم فشاری به جمهوری اسلامی بیاریم . بهر حال توازن قوا عوض شده ، این توازن قوا از دیماه داشت عوض میشد با وجود طبقه کارگر توازن قوا به نفع مردم عوض شد . و امروز این توازن قوا باز هم درجه ای بیشتر به نفع مردم و به نفع اعتراض توده ای مردم علیه جمهوری اسلامی عوض شده دیگه ، نه سرکوب ،نه دستگاه ناتوان جمهوری اسلامی در سرکوب و نه سانسور نمیتونه ایران را به دوره قبل از آبان برگردونه ،پله و دوره دیگری از تقابل جامعه با جمهوری اسلامی شروع شد و سنگرهای بیشتری را بدست مبارزه ،و قدرتشان بیشتر از قبل به نظر میرسه ، بهش واقف میشوند و سازمان یابی خودشان را بیشتر میکنند و اعتماد به اینکه میشه با قدرت خود میشه جمهوری اسلامی را از سر راه برداشت بیشتر و بیشتر میشه و در جامعه ، جمهوری اسلامی

ناتوان و ناتوانتر از سرکوب میشه ،فقط اگر اجازه دهید من یک نکته را بگو ،بینید امروز جمهوری اسلامی توی محاصره مردمه ، توی محاصره ،نه فقط در محاصره قدرتهای امپریالیستی یا کشمکشهایشان با هم دیگه امروز جمهوری اسلامی توی عراق و در لبنان مورد تعرضه و امروز اگر کسی تلویزیونها را نگاه کرده باشه ،پیام مردم عراق را که آنها هم برای رفاه و علیه فقر و استبداد و علیه عوامل جمهوری اسلامی که دارند توی اون جامعه حاکمیت میکنند ، مدتهاست که به خیابانها اومدند ، پیامشان را شنیدید که میگفتند ما و مردم ایران همدردیم ،ما و مردم ایران برای یک امر مبارزه میکنیم و ما یک دشمن مشترک داریم و نه تنها اظهار همبستگی کردند ،بلکه توی این جدال برای مردم ایران آرزوی موفقیت کردند . توازن قوایی که توی جامعه بین مردم و جمهوری اسلامی هست ،یک بخشی از آن مربوط به داخل ایران و یک بخشی از آن مربوط به موقعیتی که تا بغداد و بیروت و تا تهران باهش روبروه و تحت فشار اعتراض مردم آزادیخواه توی خاورمیانه داره زمین را زیر پایشان میلرزه .

مینو همتی: بیشک هسته اصلی این اعتراضات را جوانان تشکیل میدهند و لذا ابتکار عملهایشان بیاتر رشد تاکتیکی مبارزات و درس آموزی از گذشته است ، بطور مثال در شهریار آذربایجان با از کار انداختن دوربینهای راهنمایی و ساختمانهای دولتی و خصوصی مشرف به محل تجمعات مانع از پیگرد تظاهر کنندگان توسط نیروهای امنیتی شده و زمینه را برای مشارکت اقشار محتاتر فراهم کرده اند . بنظر شما نقش جوانان در گسترش و هدایت تاکتیکی این اعتراضات از چه اهمیتی برخوردار است؟

آذر مدرسی: ببینید جوانان همیشه در اعتراضات توده ای نقش بسزایی دارند ،جوانان یک ملیتانی ویژه ای را به اعتراضات توده ای میدهند . ما شاهدیم در عراق و لبنان و در کشورهای اروپایی ، در همه کشورها در هر جایکه جامعه برای مطالبات خودش بپا میخیزد ، ما با نقش جوانها در ملیتان کردن این اعتراضات روبرو هستیم و این شاید مهمترین نقشی است که جوانان میتوانند در این اعتراضات ایفا کنند و میکنند و این در ایران مستبد و خفقان زده یکی دیگه از خاصیت‌های حضور جوانان در اعتراضات داره و نقشی که میتوانند ایفا کنند . استفاده از تمام امکاناتی است که دارند و استفاده از تمام امکانات پیشرفته جهان متمدن که خوشبختانه

جوانان ایران بهش واقف و مسلط هستند ، برای دور زدن دستگاه سانسور جمهوری اسلامی برای رساندن این صدای اعتراض به خارج کشور هستیم ، علاوه بر این ابتکاراتی که میزنند که شما به یکی از آن اشاره کردید ، اما ابتکاراتی دیگه که حفاظت از اعتراضاتی است که داره میشه و حفاظت از مردمی که توی این اعتراضات شرکت میکنند ، رهنمودهایی میدهند که چگونه میشه امنیت خود را در مقابل دستگاه سرکوب خوب حفظ کرد و چگونه میشه این اعتراض وسیع و توده ای را از تعرض اوباش جمهوری اسلامی مصون نگهداشت ،اینها چیزهایی است که ما از حضور جوانان در اعتراضات میبینیم . طبیعتا تجربه نسل قدیمتر در تقابل با جمهوری اسلامی تجربه نسل قدیمتر توی اعتراضات توده ای وقتیکه با شور و هیجان با نسل جوان گره بخوره ،میتونه ابتکارات بسیار بسیار ارزنده و تاکتیکیهای ارزنده ای را توی اعتراضات توده ای علیه دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی داشته باشه ، همونطور که گفتیم ما این را در عراق و لبنان و در فرانسه جلیقه زردها که بخش اصلی ابتدا از جوانان شروع شد و بعد بخش عظیم جامعه و بعد بخش محروم جامعه را در برگرفت در یونان و در خود انگلیس میبینیم و در خیلی از کشورها و در هر جا که اعتراضات توده ای هست ، جوانان میتوانند نقش جدی را در منطبق کردن اعتراضات با وضعیت که امروز دنیا داره و تاکتیکیهای ملیتانتر و در عین حال حفظ امنیت بخصوص در ایران ،حفظ امنیت شرکت کنندگان در این اعتراضات و همانطور که شما گفتید برای تامین شرایطی که مردم بتوانند در آن بدون هراس شرکت کنند ، میتوانند نقش جدی داشته باشند و در حال حاضر دارند .

مینو همتی: این اعتراضات عکس العمل های متفاوتی را به همراه داشته منجمله امریکا از این اعتراضات حمایت کرده ، در ایران ۷۷ نفر از اصلاح طلبان بیانیه ای داده اند و ضمن محکوم کردن آن خواهان انتخابات آزاد شده اند . این نوع حمایتها را چگونه میبینید؟

آذر مدرسی: همیشه هر وقت که مردم معترض دست به اعتراض میزنند ، نیروهای مختلفی سعی میکنند که خودشان را با آن اعتراض تداعی بکنند تلاش میکنند روی آن سرمایه گذاری کنند برای اهداف دیگری که دارند بطور قطعی اعتراضی که توی ایران هست ،نه برای برگرداندن نظام سابق برخلاف میدیای دست راستی که توی جهان

اگر نمی‌دانید، برای آگاهی و اگر فراموش کرده‌اید برای یادآوری می‌نویسم. بیش از شش ماه پیش، ندا ناجی، در تجمعی که به مناسبت روز جهانی کارگر در مقابل مجلس برگزار شده بود بازداشت شد. حالا او، پشت دیوارهای اوین، منتظر برگزاری دادگاه و محاکمه برای جرمی است که مرتکب نشده است. من ندا را پیش از زندان نمی‌شناختم. اما در روزهای حبس در زندان قرچک ورامین، شاهد مقاومت و شرافت زنی بودم که حالا سکوت در مورد وضعیت او عدم شرافت است.

ندا ناجی پس از مدت طولانی حبس در انفرادی به زندان قرچک ورامین منتقل شد. اما چنان استوار بود که گویی فشار بازجویی‌ها برایش هیچ نبوده است. مدت طولانی انفرادی و بازجویی‌های او هم به همین دلیل بود: مقاومت ندا بازجو را به ستوه آورده بود.

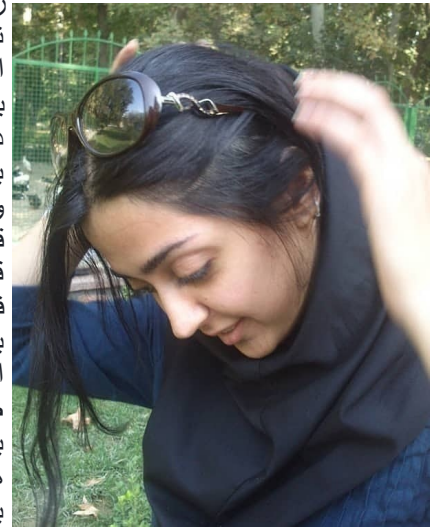
در روزهای اعتصاب، خواهرانه کنارم ایستاد و این تنها محدود به آن روزها و منحصر به برخوردش با من نبود. ندا ناجی مهر و عشق عمیق خود به انسان را، چنان در زندان قرچک ورامین به تمام زندانیان هدیه داده بود که حتی ماه‌ها بعد از انتقالش به اوین، باقی زندانیان زن قرچک ورامین نیز جویای وضعیتش بودند.

قصه ندارم سیمای قهرمان فداکار را از او به تصویر بکشم. اما محاکمه‌ی زنی به اتهام انسانیت، و فشارهایی که در این ماه‌ها بر او وارد شد، برایم سخت دردناک و تحمل‌ناپذیر است. زندانی سیاسی با تحمل فشار حصر تنش در چهاردیواری زندان، علیه تحمیل وضعیت موجود مقاومت می‌کند و از این حیث لازم است که صدای زندانیان سیاسی را به گوش مردم برسانیم.

صدای گلرخ ایرایی، صدای شکوفه بدالهی، صدای آتنا دائمی و صدای تمام آنان که به اتهام عشق به انسان محصور و محبوس هستند. اما خواهرم، ندا، در روزهایی که در زندان قرچک ورامین هم‌بندی من بود، به من عشقی آموخت که فراموشی آن ناممکن است.

باید از ندا ناجی گفت و نوشت. اما با کدام عنوان و شعار؟ نام او، خود عنوان و شعاری رسا برای اعتراض به وضعیت اوست. «ندا ناجی» که هم به جرم ندای حق‌خواهی کارگران در زندان است

و هم صدای اعتراض فرودستانی بود که «ناجی» ایران فردا خواهند بود...



اطلاع رسانی

با توجه به اینکه اعتراضات توده‌ای جاری در ایران آنطوری که لازم است از طرف افکار عمومی جهان و نهادهای مربوطه مورد توجه قرار نگرفته است، ضروری است به عنوان بخش مهمی از کمپین حمایت از این اعتراضات و مبارزه با رژیم اسلامی، با احزاب پیشرو، اتحادیه‌ها، نهادها و مطبوعات خارجی تماس گرفته شود.

متن زیر، که به زبان انگلیسی تهیه شده است را بطور وسیع پخش کنید. از جمله آن را در شبکه‌های اجتماعی بخش کنید و با امضاها جمعاً برای نهادهای حقوق بشر، روزنامه‌ها و سایر رسانه‌ها، اتحادیه‌های کارگری و احزاب و جریانات چپ و پیشرو ارسال نمایند.



To whom it may concern!

The people of Iran have risen in a mass protest in over a hundred cities across the country following the regime's decision to raise gas prices by 300%. The regime has deployed its security forces in an effort to suppress the protest with deadly force.

According to the latest reports more than one hundred people have been killed or seriously injured as a direct result of shooting by police forces. The mass protest is rapidly gaining strength and the regime is responding with increased deadly violence.

It is vital to highlight that the increase in gas the gas price is not the sole or even principal cause of the widespread protests. The majority of the people of Iran live in extreme poverty, which in combination with political oppression has made life unsustainable for millions of people. Unemployment is as high as 40% among young people and inflation has reached 46%. Workers, teachers, retirees, farmers and all other sections of society cannot meet their basic needs and young people have lost all hope in a better future.

The regime's inability and unwillingness to resolve these socio-economic problems over the past forty years, has led to total dissatisfaction with the current situation and distrust in the regime. These popular protests are underpinned by deepening socio-economic problems and political repression.

We appeal to all human rights organizations, trade unions and all other defenders of democracy, rights, freedoms and liberties to support the Iranian people's struggle for freedom and to condemn the Iranian regime for its violent response to the protests-

چرا خشونت علیه زنان؟

مریم مرادی

خواهران میرابال، از مخالفان رافائل لئونیدس تروخیو، دیکتاتور جمهوری دومینیکن بودند که در سال ۱۹۶۰ از سوی مأموران امنیتی این کشور ماه‌ها مورد شکنجه و تجاوز قرار گرفتند. این زنان جسور، سرانجام در پی این خشونت‌های وحشیانه، در ۲۵ نوامبر این سال به قتل رسیدند.



حدود ۲۳ سال بعد، یعنی در ۲۰ دسامبر ۱۹۹۳، موضوع منع خشونت علیه زنان در کمیته‌ای که زیر نظر کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد فعالیت می‌کرد، مطرح شد و سرانجام به صورت بیانیه‌ای جهانی به تصویب رسید. تعریف خشونت علیه زنان در این بیانیه، ساده، کوتاه و روشن است؛ هرگونه رفتاری که "به آسیب بدنی، جنسی یا روانی زنان منجر شود".

بیست و پنجم نوامبر روز جهانی منع خشونت علیه زنان است. فعالان حقوق زنان از سال ۱۹۸۱ میلادی روز ۲۵ نوامبر را برای گرامی داشت مبارزه با خشونت علیه زنان برگزیده‌اند. از سال ۱۹۹۹، سازمان ملل متحد، روز جهانی منع خشونت علیه زنان را فرصتی برای دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و مؤسسه‌های غیردولتی می‌داند تا از آن برای افزایش آگاهی عمومی و آموزش استفاده کنند. با وجود آنکه در بیشتر کشورهای جهان قوانین منع خشونت تصویب شده است، اما همچنان آمارها نشان می‌دهد ۳۵ درصد زنان خشونت را تجربه کرده‌اند. این رقم در برخی کشورها به ۷۰ درصد می‌رسد. مطابق آمار سازمان ملل متحد، از هر سه زن در سراسر دنیا یک زن خشونت جنسی و جسمی را تجربه کرده است.

پیشتر از روز جهانی منع خشونت علیه زنان، هشتگ «me too» در فضای مجازی به راه افتاد، زنان در سراسر جهان از تجربه‌های خشونت علیه خود نوشتند که هر کدام از آنها حداقل یک بار در طول زندگی خود، این خشونت را تجربه کرده‌اند. این جنبش

مجازی نه تنها در فضای خارج از رسانه‌های ایران، بلکه در میان کاربران ایرانی هم با استقبال زیادی مواجه شد. بسیاری از زنان ایرانی، با به کار بردن هشتگ «من هم» یادآوری کردند که در طول زندگی خود حداقل یکبار خشونت را تجربه کرده‌اند. فراگیر شدن این هشتگ، نشان از فراگیر بودن خشونت علیه زنان در سراسر دنیا است، که همه زنان فارغ از محل زندگی، نژاد و ملیت خود قربانی نوعی از خشونت بوده‌اند.

مهمترین عامل جهانی شدن خشونت علیه زنان

برخی مسأله‌الگوی موجود خشونت علیه زنان از سوی مردان را به نوعی طبیعت مردانه می‌دانند که ذاتاً مردان، با احساس برتری جویی می‌توانند خشونت بیشتری علیه زنان اعمال کنند. این باور، یعنی الگوی قدرت طلبی، که به طور ذاتی در مردان وجود دارد، مانع از پذیرش آموزش‌های لازم به مردان می‌شود. کلیشه‌های کلی قدرت در کلیه جوامع، در واقع باورحس برتری در مردان را به شدت تقویت می‌کند. اما نگاه ذات‌گرایانه به برتری جویی مردان موجب می‌شود که نتوان به صورت تأثیر گذار آموزش‌های لازم را از کودکان به پسران داد. رفتار خشن پسران به عنوان یک رفتار برتری جویانه و غیرقابل تغییر، تعریف می‌شود.



نتیجتاً تقویت کلیشه‌های جنسیتی حتی در کشورهای اروپایی و مدرن، پدیده خشونت علیه زنان را به صورت الگویی جهانی تبدیل کرده است. در واقع می‌توان گفت مهمترین عامل جهانی شدن خشونت علیه زنان، تقویت رفتار کلیشه‌ای مردان و پرورش کلیشه‌ها در دنیای امروز به طرق مختلف است.

برای مثال، تولیدکننده‌های اسباب بازی که همچنان کلیشه‌ها را به صورت جهانی تقویت می‌کنند و به کلیشه‌های موجود میان دختر و پسر دامن می‌زنند. تم‌های بازی در بازارهای جهانی برای پسران عموماً تم‌هایی خشن است که به نوعی تمایل به تقویت میل به قدرت و خشونت در پسران از همان

کودکی دارد. اینها تنها نمونه‌های کوچکی از معیارهای تقویت خشونت جهانی علیه زنان در دنیای امروز است. می‌توان گفت با وجود تلاش‌های جهانی و تصویب قوانین برای بهتر شدن خشونت علیه زنان، اما ساختار کلیشه‌ای از کودکی در میان اکثریت پسران مطابق یک الگوی جهانی خاص تقویت می‌شود.

راهکارهایی جهت برخورد با خشونت علیه زنان

با وجود خشونت حاضر علیه زنان در دنیا امروز، اما در بیشتر کشورهای جهان قوانین خاصی برای رفع هرچه بیشتر این خشونت‌ها وضع شده است. در کشورهای اروپایی، قوانین حمایت از زنان در برابر خشونت ربطی به جایگاه اجتماعی افراد ندارد، دست‌کم ۱۱۹ کشور جهان قانونی ضد خشونت خانگی به تصویب رسانده‌اند و همچنین سازمان‌های مختلف فعال در حوزه زنان و ان‌جی‌او‌های مربوط به زنان درخصوص کاهش خشونت علیه زنان با دولت همکاری می‌کنند.

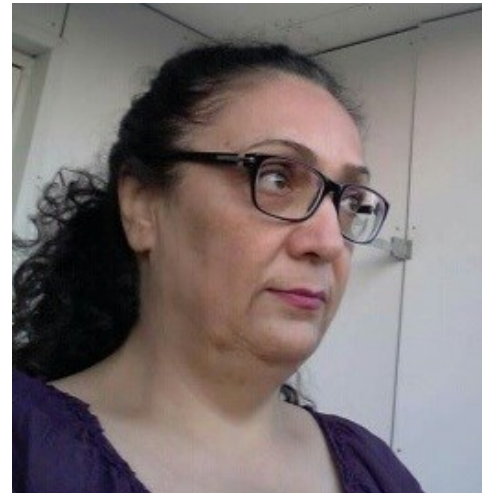
۱۲۵ کشور درباره آزار جنسی قانون دارند و ۵۲ کشور درباره تجاوز زناشویی قانون تصویب کرده‌اند. کنوانسیون شورای اروپا در مورد پیشگیری و مقابله با خشونت علیه زنان و خشونت خانگی که اخیراً با تصویب پانزده دولت عضو شورای اروپا لازم‌الاجرا شده است، دارای مکانیسم‌های نسبتاً پیشرفته برای اتخاذ اقدامات پیشگیرانه برای مقابله با ارتکاب خشونت علیه زنان و دختران است. این در حالی است که در چارچوب شورای اروپا، کنوانسیون مقابله با خشونت علیه زنان و خشونت خانگی به تصویب رسیده که اخیراً نیز لازم‌الاجرا شده است.

اما در ایران لایحه تأمین امنیت خشونت علیه زنان همچنان در وزارتوی دولت و مجلس ایران مانده است و هنوز هیچ قانون کارآمدی در این خصوص، به سرانجام نرسیده است. جدا از این مسأله، زمینه‌های کمک به زنان قربانیان خشونت، از هر نوعی، همچنان برای زنان فراهم نیست. در بعضی از کشورها، پناهگاه‌هایی برای حمایت از زنان قربانی خشونت وجود دارد. زنان می‌توانند به این پناهگاه‌ها، پناه ببرند و پلیس به شدت در مورد مسأله خشونت‌های خانگی حساس است و جدا از حمایت دولت، زنان آسیب دیده حمایت‌های غیردولتی را هم دارند.

متأسفانه زنان قربانی خشونت در ایران نه تنها از این امکانات برخوردار نیستند، بلکه به دلیل عدم حمایت‌های قانونی بسیاری از زنان هم مجبورند هر کدام به نوعی خشونت‌های خانگی را تحمل کنند.

ادامه در صفحه ۸۵

گزارشی از وضعیت زنان کردستان مرضیه آدمی فعال حقوق بشر و مدافع حقوق زنان



با درود به هموعان عزیزم در سراسر جهان، اینبار در خدمتان هستم با استقبال از روز بین المللی مبارزه با خشونت علیه زنان، که از سال 1981، روز 25 نوامبر را به این مناسبت نام گذاری کرده اند. این روز برای یادآوری عزم همگانی برای مبارزه با خشونت علیه زنان انتخاب شده است.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در 17 اکتبر 1999 نامگذاری این روز را به عنوان روزی جهانی تصویب کرد و ما زنانی که در خارج از ایرانیم باید تلاش کنیم تا صدای دختران و زنان کشورمان باشیم و از حقوق از دست رفته آنها دفاع کنیم.

چون بی تفاوتی و بی خیالی ما خیانت بزرگی است به خود و هموعانمان در ایران. پس باید بیشتر از اینها در این زمینه فعالیت داشته باشیم.

وضعیت اجتماعی زنان در کردستان ایران
تبعیضها، محرومیتها، خشونتها و دردها علیه زنان در کردستان ایران بشمارند و سیستم حاکم بر ایران بطور سیستماتیک و بصورت مستقیم و غیر مستقیم این وضعیت را برای زنان رقم زده است. جدای از تبعیض و خشونت دولتی و قانونی، تبعیض و خشونت سیاسی ناشی از ستم ملی بارزترین نوع خود برای زنان کورد در کردستان ایران است.

محرومیت، فقر و عقب ماندگی عمدی اگر چهره اصلی کردستان باشد، این چهره با هزاران درد و بلا و ستم ملی هر روز شکسته تر میشود. کسی هست که نداند زنان در جامعه جهان سومی آنها در اوج محرومیت و عقب ماندگی قربانیان اصلی هستند. از زنان قربانی بلای طبیعی زلزله

کرمانشاه که بعد از دو سال آرزویشان دسترسی به سیروس بهداشتی است گرفته، از سیاست معتاد کردن مردم کردستان، از نبود مکانی امن حتی برای تدریس که یا بر اثر ریزش دیوار دخترانمان می میرند یا مثل دختران شین آباد میسوزند و میسوزند، از زنان درگیر مسئله کولبری که برای لقمه نانی یا بیوه میشوند یا بی سرپرست و یا با معلولیت از شوهر و برادر و همسر روبرو میشوند، از زنانی قربانی مین که یا خود قربانی هستند و یا با اعضای خانواده معلولشان قربانی میشوند.

اگر در خوشبینانه ترین حالت بگویم که تنها نیمی از زنان کردستان درگیر این آسیبهای اجتماعی ناشی از سیاست ستم ملی هستند، میرسیم به بی هدفی و آینده مبهم ناشی از بیکاری و وضعیت بد اقتصادی و در حاشیه ماندن که جوانان و زنان را به افسردگی و بحران هویت کشانده است و نتیجه میشود نرخ بالای خودکشی، سن پائین ازدواج و آمار بالای طلاق، اعتیاد و هزاران آسیب اجتماعی پیچیده و تاثیرگذار بر یکدیگر در کردستان ایران و زنان قربانی آن.

از همه اینها که بگذریم میرسیم به سرکوب و برخورد قهریه حکومت با تمامی فعالین زن و فعالین مدنی کورد در کردستان ایران که در این گزارش آمار تمامی موارد نقض حقوق زنان نیز به آن اشاره خواهد شد.

زنان جامعه ی کردستان ایران زنانی هستند که به دلیل ستم و تبعیض ملی، علاوه بر تمامی خشونت‌های که در ایران از آن سخن به میان می‌آید خشونت سیاسی را نیز تجربه میکنند و بر تمامی ابعاد زندگی آنها تاثیرات مستقیم و غیر مستقیم داشته است. خشونتی که حتی زنان را به مثابه اینکه در منطقه محروم کردستان از لحاظ اقتصادی زندگی میکنند از دسترسی به حضور در عرصه اجتماعی و وارد شدن به نیروهای اجتماعی و عرصه سیاسی محروم کرده است. خشونتی که زنان را از

تاسیس NGO و تمامی نهادهای مدنی برای فعالینشان محروم کرده است مخصوصاً در حوزه زنان، خشونتی که هر فعالیتی در کردستان جرم "سیاسی" شناخته و به مثابه "اقدام علیه امنیتی ملی" و "مسائل امنیتی" با آن برخورد میشود.

گزارش گزیده های حقوق بشر کوردستان 1398 اردیبهشت 3 علاوه بر تمامی اینها زنان کرد و وضعیت بد اقتصادی و اجتماعیشان، نقض حقوقشان و تمام مسائل و مشکلاتشان در دنیا شنیده نشده و در رسانه های ملی و بین المللی کمتر توجه به زنان کورد شده است. در این گزارش از وضعیت اقتصادی و اجتماعی سخن میگویم.

وضعیت اقتصادی زنان در کردستان ایران
کردستان ایران، منطقیهای محروم و عقب مانده، نرخ بیکاری در شهرهای آن بیش از همه شهرهای ایران است، از تمامی شاخصهای پیشرفت و دسترسی به زندگی مناسب در محرومیت قرار داده شده است. حکومتی که به عمد و با بکارگیری سیاست تبعیض ملی با تمامی کردستان برخورد کرده و میکند، به گونه ای که دغدغه اصلی بیشتر مردم کردستان نان

است. در این شرایط زنان قربانیان اصلی هستند چرا که کارگری و کولبری برای مردان به سختی فراهم است چه برسد به زنان. تا جایی که حتی باعث افزایش خشونت علیه زنان داشته است زیرا به باور کارشناسان اجتماعی مشکلات اقتصادی مربوط به شغل و درآمد از مهمترین عوامل تاثیرگذار در روابط خشونت بر نرخ بیکاری شدید زنان در کردستان ایران، سیاستهای حکومت اسلامی ایران در جهت عقب ماندگی اقتصادی و اجتماعی کردستان ایران نقش مستقیمی در افزایش خشونت علیه زنان داشته است زیرا به باور کارشناسان اجتماعی مشکلات اقتصادی مربوط به شغل و درآمد از مهمترین عوامل تاثیرگذار در روابط خشونت آمیز خانواده و افزایش خشونت نسبت به زنان و دختران میباشد.

بر اساس آمار رسمی حکومتی استان کردستان رتبه نخست نرخ بیکاری زنان نقاط شهری را در میان استانهای کشور دارد، همین رتبه در سال 1394 مختص کرمانشاه بود.

استان ایلام از بدترین استانها برای جستجوی شغل در سطح کشور برای زنان است و در استان آذربایجان غربی نیز بنا به آمار رسمی حکومت نرخ بیکاری فارغ التحصیلان بیش از متوسط کشوری است و آمار رسمی در رابطه با نرخ بیکاری زنان وجود ندارد باید گفت این آمار با معیار یک ساعت کار زنان در هفته سنجیده شده است.

اشتغال در ایران و مخصوصاً کردستان شامل شغل‌های خیلی عادی و زیرمجموعه مانند منسجری در عرصه خصوصی و معلمی و پرستاری در عرصه حکومتی است و بیشتر شغلها شامل کارهای دستی و خیاطی و خدماتی بوده است و هیچ سیاست کلان و برنامه ریزی برای حضور زنان در عرصه اقتصادی کردستان وجود ندارد چرا که در کردستان کارخانجات و شرکتهای بزرگی برای کار وجود ندارد.

وضعیت اجتماعی زنان در کردستان ایران
وضعیت اجتماعی زنان در ایران و مخصوصاً کردستان ایران بیش از آنکه نقش

ها در مهارتهای زندگی برای حل مشکلات و همچنین نبود قوانین حمایتی از خانواده و زنان از مهمترین دلایلی هستند که افراد را ناامید از حل مشکل میکند و طلاق را تنها راه‌رهایی میبایند.

آمار ازدواج کودکان در کردستان ایران:

آمار دقیقی در این رابطه وجود ندارد و آنچه که هست افزایش سن پائین ازدواج در ایران است. اما با این وجود برطبق آمار رسمی آذربایجان غربی از جمله استانهای کردستان است که بیشترین آمار ازدواج کودکان را دارد. همچنین به گفته مدیرکل ثبت احوال استان کردستان تنها در چهار ماه ۱۳۹۷ مجموع ۹۷۰ مورد ازدواج دختران زیر ۱۸ سال در استان کردستان روی داده است، تا جایی که حتی سن برخی از این دختران ۱۰ سال است. در مورد ایلام و کرمانشاه آمار مشخصی وجود ندارد اما آنچه هست در استان های مرزی، دختران به دلیل نبود امکانات آموزشی یا باید در سنین پائین ازدواج کنند و یا در زمینه های کشاورزی مشغول کار شوند.

به اعتقاد فعالین حوزه حقوق کودکان؛ فقر اقتصادی و اجتماعی و نیز حاشیه نشینی از دلایل ازدواج کودکان در کشور میباشد. ازدواج کودکان که اغلب زیر فشار خانواده‌ها صورت میگیرد منجر به افزایش شمار خودکشی، طلاق و همچنین کودکان طلاق شده است.

کمیته حقوق کودک سازمان ملل در اسفند سال ۹۴ از دولت ایران خواست قوانین کیفری و قانون ازدواج کودکان دختر را اصلاح کند اما حتی این قوانین با ازدواج دختران بالای ۱۳ سال هم موافقت نکرد.

اعتیاد زنان در کردستان ایران:

به گفته مسولین استان کردستان، از مجموع آمار معتادین از هر ۱۰ مرد ۲ زن اعتیاد دارند. همچنین ۵٪ از معتادین استان آذربایجان غربی را زنان تشکیل میدهند و به گفته رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر آذربایجان غربی ۴ هزار و ۵۰۰ زن معتاد در آذربایجان غربی وجود دارد.

در استان کرمانشاه نیز اعتیاد زنانه شده است. در استان ایلام نیز حدود ۱۱ هزار نفر به اعتیاد مبتلا هستند که آمار دقیق از زنان در این رابطه وجود ندارد. بطور کلی اعتیاد زنان در مناطق کم برخوردار و حاشیه نشین به سطح عام تر رسیده است.

سیاستهای حکومت اسلامی ایران در جهت عقب ماندگی اقتصادی و اجتماعی کردستان ایران نقش مستقیمی در افزایش تبعیض و

ادامه در صفحه ی

زن خودکشی کرده اند که خودکشی ۲۷ نفر از آنان ناموفق بوده است. البته این آمار فقط مواردی را شامل میشود که رسانه ای شده اند، چرا که ایلام با رتبه اول خودکشی در جهان و ایران تعداد کمی از این آمار را شامل میشود.

آمار قتل زنان در کردستان ایران

آمار کشته شدن زنان از سال ۱۳۹۱ تا اوایل آذر ۱۳۹۷ در کردستان ایران:

البته این آمار فقط مواردی را شامل میشود که رسانه ای شده اند، چرا که بسیاری از این موارد به دلیل مسائل سنتی و ناموسی به بیرون درز نمیکند و همچنین قوانین در ایران خود خشونت خانودگی و کشتن زنان را توجیه و تشجیع میکند.

در این مدت ۱۵۵ زن در مناطق کردستان ایران کشته شده اند. همچنین ۱۵ زن دیگر نیز به طرز فجیعی زخمی شده اند. از این ۱۵۰ مورد کشته شدن، ۸ تن دانشجوی بوده اند که ۴ نفر از آنان در خوابگاه های دانشجویی بطرز مشکوکی کشته شده اند.

عوامل قتل این زنان

از ۱۰۰ مورد شناسایی شدن قاتل این زنان، کشته شدن ۶۴٪ درصد از آنها توسط افراد نزدیک خانواده صورت گرفته است که به ترتیب همسر، پدر، برادر، فرزند و اقوام این زنان بیشترین مسببین این قتلها بوده اند و مابقی موارد نامشخص بوده است. کشته و زخمی شدن ۱۲۵ تن از این زنان در منزل، ۳۳ مورد در خارج از منزل و ۷ مورد در مکانهای نامشخص روی داده است. در این میان چندین دختر ۴ تا ۵ سال همراه مادرانش قربانی کشته شدن بوده‌اند و چندین تن از این زنان باردار بوده اند.

چگونگی کشته و زخمی شدن این زنان، کشته و زخمی شدن این زنان به ترتیب با اسلحه ۲۵ ، چاقو ۱۷ ، خفه کردن ۱۲ ، ضرب و شتم و ضربات اشیاء سنگین و تبر ۱۱ ، پاشیدن اسید ۸ ، به آتش کشیده شدن ۷ ، خوراندن سم ۲ ، ریختن آب جوش بوده است.

آمار طلاق در کردستان ایران

بنا به آمار رسمی از ۳۱ استان ایران، استان کرمانشاه رتبه دوم، کردستان رتبه پنجم، آذربایجان غربی رتبه ۱۷ و ایلام رتبه ۳۰ را دارا است؛ البته باید گفت ایلام از لحاظ رشد طلاق در ایران دارای رتبه اول است و بطورکل در ایلام از هر ۴ ازدواج یکی به طلاق منجر میشود.

بیکاری، اعتیاد و معضلات اجتماعی مهمترین علل طلاق هستند که نبود نهادهای فرهنگی و آموزشی برای کمک به خانواده

زن در عرصه اجتماعی و حضور و در حرکت و نیروهای اجتماعی را نشان دهد شامل آسیبهای اجتماعی پیچیده و تاثیرگذار بر یکدیگر هستند که ناشی از سیاستهای ضد زن علیه زنان در ایران و مناطق محرومی مانند کردستان است که نه به توانمندسازی زنان در عرصه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی توجه شده و نه برنامه ای برای آن وجود دارد و نه کوچکترین حمایت قانونی در این عرصه ها به زنان میشود تا بتوان در این گزارش به آن اشاره کرد؛ آنچه هست شامل آسیبهای اجتماعی ناشی از تمامی این تبعیضها و سیاستهای ضد زن مخصوصا برای زنان کورد هست که تحت ستم ملی و مذهبی نیز قرار دارند.

این آسیها شامل خودکشی، کشتن زنان، نرخ بالای طلاق و پائین بودن سن ازدواج، اعتیاد و افزایش افسردگی در بین زنان و دچار شدن به بحران هویت است که نمایان هستند و تمامی آسیبهای پنهانی مانند درگیر شدن مستقیم و غیر مستقیم زنان با وضعیت بد اقتصادی و بیکاری، فقر، اعتیاد، کولبری، مین و سرکوب و ملیتاریزه کردن کردن از لحاظ امنیتی است که زنان کرد آن را روزانه تجربه میکنند.

آمار خودکشی زنان در کردستان ایران

خودکشی در کردستان ایران همیشه در صدر جدول است، با اینکه استان ایلام در دنیا با بیش از ۸۰۰ خودکشی در سال گذشته رتبه اول را دارا بوده است، اما حتی اطلاع رسانی در این مورد بسیار اندک است خودکشی در ایران تا به مناطق عقب افتاده و محروم میرسد ارقامش بالا و بالاتر میرود. فقر و نابرابریهای اقتصادی و اجتماعی مهمترین عوامل مشکلات خانودگی و باز تولید خشونت هستند، حتی خشونت علیه خود (خودکشی)، زنان کرد آمار بالایی را از این خشونت به خود اختصاص داده اند.

زنانی که نه جامعه سنتی از آنان حمایت میکند و نه قانون و مرکز و نهادی وجود دارد تا به وسیله آن از خود حمایت کنند؛ از دیگر سو پیامدهای توسعه نیافتگی و بی توجهی اجتماعی و اقتصادی کردستان آنان را به بن بست میرساند، آنهم در زمانهای که زنان تا حدی بر ارزشهای مدرن و فردگرایی آگاهند، زنانی که به تنهایی توانایی انجام تغییر را ندارند و احساس ناتوانی و درماندگی و ناامیدی بر آنها غلبه میکنند پس راه را در نابودی خود میبینند. خشونت علیه خود که به تنها راه اعتراض به تمامی تبعیضها و خشونتها و محرومیتها دانسته میشود.

از سال ۱۳۹۱ تا اوایل آذر ۱۳۹۷، ۵۱۱

**نه به قومیت پرستی!
سحر بابا سلجی**



اخیرا همانطور که در رسانه ها مشاهده کردید در یک محل ورزشی که جای ورزش و شادی است، یک عده تماشاگر نما در بازی فوتبال تراکتور سازی تبریز با تیم استقلال تهران، در اقدامی از قبل برنامه ریزی شده در کمال بهت و ناباوری شعار مرگ بر کورد سر دادند. این قوم گرایان ترک طی بازی این دو تیم ورزشی شروع به فحاشی بر علیه وریا غفوری کاپیتان تیم فوتبال استقلال کردند. روشن است که با این اقدامات و قیحانه بیشتر قصد بر نفرت پراکنی و نژاد پرستی بین اقوام کرد و سایر قومیت ها و با هدف تفرقه افکنی سعی بر تخریب

قومیت ها اعم از کورد، فارس، ترک، عرب و... غیره نمودند. این قوم گرایان یا به عبارت دیگر نژاد پرستان با در دست داشتن پرچم ترکیه، و سلام نظامی حمایت خود را از کشتار و نسل کشی مرد مظلوم و ستمدیده کردستان سوریه (روژاوا) توسط اردوغان فاشیست اعلام نمودند. با توجه به کارنامه ننگین دولت فاشیست ترکیه اعم از کشتار ارمنه در سال 1915 و همچنین نسل کشی و قتل عام مردم کورد از سال های دور تا به امروز دولت سفاک و خونریز اردوغان همچنان با کشتار وسیعی که در کردستان سوریه به راه انداخته است برگ سیاه و تاریک دیگری بر کارنامه خود افزوده است.

حال بسیار جای تعجب است در کشور ایران مردمی که دم از فرهنگ و تمدن می زنند اینچنین بازی فوتبال را تبدیل به بازار اغتشاش و بی نظمی و با سردادن شعار های فاشیستی و نژاد پرستانه مرگ بر کورد سعی بر ایجاد تفرقه و اختلاف بین قومیت ها میکنند.

چرا بایستی بازی فوتبال تبدیل به فضای سیاسی و بی نظمی شود؟ همه مردم ایران در طی 40 سال روی کار آمدن رژیم جنایتکار اسلامی بر این مسئله واقف هستند که این حکومت ننگین از گذشته های دور تا به امروز دشمن دیرینه و سر سخت اقوام کورد، لر، بلوچ و... غیره بوده است. مردم مظلوم و ستمدیده کردستان همیشه آماج سرکوب و اعدام بوده و هنوز هم به قوت خود باقی است. جایی بسی تاسف

است که عده ای تماشاگر نما از این جنایات و سرکوب مردم کردستان سوریه (روژاوا) ای نچنین وقیحانه و بی شرمانه حمایت میکنند و به اسم تشویق تیم مورد علاقه خود با سردادن شعار های موسوم به زمان شاهی البته با تغییر اینچنین منظم و حرفه ای شعار مرگ سر می دهند.

به عقیده من بسیاری از مردم ایران سوای سو استفاده قومیتی و نژاد پرستی، بد طولایی در تقلید و چشم و هم چشمی دارند.

جا دارد در پایان اشاره ای داشته باشم به سلام نظامی بازیکنان فوتبال تیم ترکیه، و تیم مقابل به لحاظ حمایت و پشتیبانی از حملات نظامی دولت فاشیست و خونخوار ترکیه نسبت به کشتار و نسل کشی مردم بیگناه

و مظلوم کردستان سوریه، و حال به تازگی شاهد تکرار چنین حرکت نفرت پراکنی و قومیت پرستی در تبریز ایران باشیم.

مسلم است و به عینه مشاهده کردیم که نه تنها مریبان و دست اندر کاران تیم تراکتور سازی تبریز وقعی به این اقدام ننهادند بلکه با سکوت و بی تفاوتی راه را بر آن عده تماشاگر نما هموار کردند.

من به شخصه امیدوارم دیگر شاهد چنین رویداد غیر انسانی نباشم و بهتر است قومیت پرستی، جای خود را به برابری انسانها و مساوات حقوق بین مردم اعم از زن و مرد بدهد. چرا که انسانیت و انسان بودن است مهم است و وجه مشترک تمام انسانها میباشد نه رنگ، نژاد، زبان، ملیت و... .

**مشکلات همجنسگرایان در ایران
شیمیا مقدم**

در ایران شرایط زندگی برای همجنسگرایان بسیار دشوار است. خیلی ها در مرز خودکشی یا از نظر روحی در حال از همپاشیدگی اند. یکی از مشکلات روحی مهم، احساس گناه شدید است. درون هر همجنسگرای ایرانی تضادهای بسیاری وجود دارد. او نمی داند سالم است یا

بیمار. نمی داند این احساس یا غریزه ای که دارد، گناه است یا بیگناهی. بسیاری فکر می کنند این یک عمل زشت است. متأسفانه هیچ آگاهی و بستر سازی فرهنگی در این زمینه در ایران وجود ندارد.

در ایران که همجنسگرایان با چندین نهاد روبه رو هستند، نهاد اجتماع، نهاد حکومت، نهاد خانواده. باید به دوستانشان ثابت کنند که دید کثیفی به روابط با آنها ندارند. باید به دولت ثابت کنند که وجود دارند. باید به حاکمیت ثابت کنند که مجازات عشق بازی مرگ نیست، قتل نیست، طناب دار نیست. باید به خانواده شان ثابت کنند که هرزه نیستند و قصد ندارند آبروی آنها را ببرند. و این همه یک روند واقعا فرسایشی است که تا جامعه خودش را تغییر ندهد و طور دیگری به موضوع نگاه نکند، یک شخص به عنوان یک همجنسگرا مجبور به تحمل آن است.

این یک فاجعه بزرگ است، اما بیشتر برای جامعه درست است که لطمه اش را در نهایت همجنسگراها و اقلیت ها می بینند، اما یک فاجعه برای جامعه ای است که نتوانسته کسانی را که در خیلی از موارد با آنها همسان هستند، بپذیرد و با آنها رفتاری در شان خودشان داشته باشد.

و متأسفانه افراد زیادی از همجنسگرایان به سمت خودکشی و افسردگی می روند در حالی که می توانند اشخاص بزرگی در جامعه باشند.



حمایت از اعتراضات آبانماه در آستانه ۲۵ نوامبر روز جهانی منع خشونت علیه زنان
معصومه توکلی فعال حقوق بشر



یک هفته است مردم مبارز ایران علیه توحش و سرکوب افسار گسیخته دیکتاتوری اسلامی، علیه فقر و فلاکت تحمیلی، همچنان می رزمند! متحد و یکپارچه خیابانها را به تصرف خود در می آورند. مردم در نبردی نابرابر در مقابل یورش وحشیانه ارازل و اوباش مسلح با دست خالی مقاومت می کنند! وحشت سرنگونی سرپای ضحاک زمان را فرا گرفته است..

چندین هزار نفر از عزیزان مردم در بیش از صد شهر دستگیر و به مکانهای نامعلوم منتقل شده اند. تعداد کشته شدگانی که مستقیم هدف گلوله جنگی قرار گرفته و جان باخته اند مخفی نگهداشته شده است. تاکنون آمارهایی که از رسانه های سراسری ایران پخش شده است نزدیک به ۲۰۰ کشته در ۲۵ شهر گزارش شده است. اما بی تردید آمار کشته شدگان بیش از این تعداد است. طبق اخبار منتشر شده ده ها کامیون حمل گوشت، اجساد را از پزشکی قانونی و سردخانه بیمارستانها به مکانهای نامعلوم منتقل کرده اند.

صدها نفر در مقابل مراکز پزشکی قانونی در بسیاری از شهرها برای دریافت اجساد عزیزان خود تجمع کرده اند. دستگاه های امنیتی مانع تحویل اجساد کشته شدگان به خانواده های داغدار می شوند.

توحش و بیرحمی دستگاه امنیتی برای مردم ایران کاملا شناخته شده است. تهدید به اعدام دستگیر شدگان، خانواده ها را که از وضعیت عزیزانشان در زندانها و بازداشتگاه ها بی خبرند، به شدت نگران کرده است.

نشان داد که در ایران چه خشونت علیه زنان اعمال می شود و اضافه کرد همیشه حرکت زنان تاثیر بیشتری بر افکار عمومی دارد.

نرگس جلالی عضو سازمان زنان ایران در پاسخ به سوال؛ آیا آگاهی زنان از حقوق ذاتی و شهروندی شان (حق برابری، حق آزادی بیان، حق بر بدن و ...) اعتراضات و نافرمانی های بیشتری را در پی خواهد داشت؟ گفت: بله حتما، هر چقدر آگاه تر شویم طبیعتا مطالبه گر میشویم و فعالیت بیشتری برای دستیابی به حقوق مان انجام می دهیم.

روز شنبه ۲۳ نوامبر، ۲ آذر ساعت ۱۳ در خیابان اونی (مرکز شهر) گوتنبرگ سوئد؛ طنین شعارهای مرگ بر دیکتاتور؛ خامنه ای بدونه، بزودی سرنگونه و ... هر عابری را میخکوب میکرد. با تعدادی از شرکت کنندگان در راهپیمایی مصاحبه ای انجام دادم. از ویدا تهرانی عضو هسته اصلی سازمان زنان ایران (نماینده بخش سوئد)؛ نقش حضور زنان در اعتراضات اخیر را جویا شدم. او با اشاره به اینکه انقلاب اینبار

یک وجه مهم مبارزات کنونی آزادی دستگیر شدگان و نجات مجروحانی است که به دست نیروهای سپاه پاسداران اسیر شده اند. ایرانیان در سراسر جهان از جمله در استکهلم، گوتنبرگ و مالمو بارها جهت حمایت و پشتیبانی از مبارزات به حق مردم ایران و تاکید بر آزادی هزاران دستگیر شده اعتراضات اخیر به خیابان ها آمدند.

روز شنبه ۲۳ نوامبر، ۲ آذر ساعت ۱۳ در خیابان اونی (مرکز شهر) گوتنبرگ سوئد؛ طنین شعارهای مرگ بر دیکتاتور؛ خامنه ای بدونه، بزودی سرنگونه و ... هر عابری را میخکوب میکرد.

با تعدادی از شرکت کنندگان در راهپیمایی مصاحبه ای انجام دادم. از ویدا تهرانی عضو هسته اصلی سازمان زنان ایران (نماینده بخش سوئد)؛ نقش حضور زنان در اعتراضات اخیر را جویا شدم. او با اشاره به اینکه انقلاب اینبار



کمتر از یک ماه پس از پیروزی انقلاب زده شد... ولی زنان آگاه ایرانی چهل سال دست از مبارزه برای بدست آوردن حقوق برابر برنداشته اند.

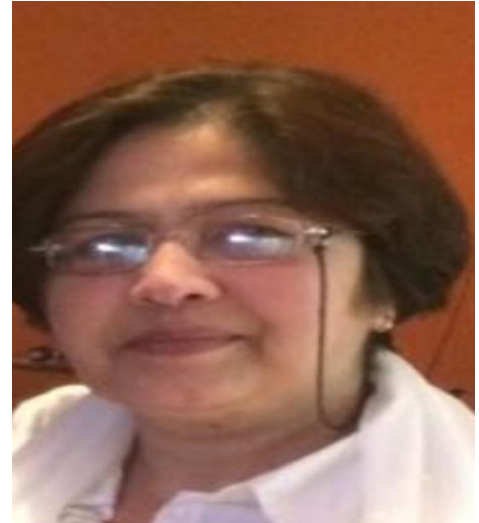
در پایان شاپور کریمی فعال سیاسی حضور زنان ایران را در همه جا بسیار پررنگ میدانند و معتقد است زنان ایران همیشه با شجاعت و آگاهی شان پیشتر از مبارزات در همه عرصه ها (اشاره به اعتراضات معلمان، کارگران، بازنشستگان...) بوده و هستند.

جمهوری اسلامی با هر جناح و دسته نابود باید کرد

انقلاب زنانه است و با یادآوری حضور همیشگی زنان در ایجاد تحولات بزرگ با اشاره به اینکه اعتراضات دیماه ۹۷ با نافرمانی مدنی دختر خیابان انقلاب و اعتراضات اخیر با بستن خیابان و فریادهای زنی در کرج که از مردم میخواست که سکوت نکنند، کلید خورد؛ روشنگری و قدرت روزافزون زنان ایران را در کنار باورمندی مردان از این توان موجب همراهی و همدلی بیشتر در مسیر مبارزه دانست. او اضافه کرد مبارزات زنان هر روز جدی تر و مشهود تر میشود.

شهاب بلور در خصوص اهمیت حضور زنان در اعتراضات گفت: دختر آبی برای دستیابی به حق برابری (بدیهی ترین حق انسانی) جانش را فدا کرد و به همه دنیا

زندگی زنان در تاریخ بشریت
ماریا یوسف زی



زندگی زنان در تاریخ بشریت پرچالش ترین نوع زندگی است که در مذاهب مختلف و سیاست های مختلف مرد سالارانه به هزارها زن قربانی شده و زنان شجاع و آزادیخواه از اوان زندگی بشریت ساکت نبوده در تلاش مبارزه آزادیخواهی بوده تا زنجیر استبداد و ظلم بشکند همه ادم ها یک زندگی عاری از تعصب و تبعیض در پهلوی همدیگر داشته باشند. اما متأسفانه مذهبیون خرافاتی رسوم عنعنات ناپسند جامعه مردسالار تاثیر گذار در جامعه زندگی انسانی را به هیولای مبدل کرده که زن را در جامعه سنتی جنس دوم شمرده میشود. همه تصمیمات زندگی را باید مرد بگیرد زن را یک وسیله ارتباط جنسی و یک ماشین برای ا

فزایش و رشد نفوس و کارفرما مرد استفاده است. زنان خرید و فروش میشد و میشد شرم اور ترین حس بد بینی و خرافاتی که داشتند که از تولد دختر شرم داشتند دختران را زنده بگور میکردند. که این سنت از قرن ها به اینطرف در جوامع عقب مانده و کشور های سنتی و مذهبی همین چالش ها بشکل رسم باقی مانده و برای رشد این فرهنگ مردان زن ستییز هستند که بنام دین و مذهب این روند رادر بین مردم بشکل میراث مذهبی رشد میدهند.

اما با وجود تمام ممانعت ها زنان ساکت نمانده در تلاش حقوق آزادی خواهی خود هستند. تا بدست بیاورند.

اگر ما به کشور سنتی خود افغانستان فکر کنیم در این چند دهه اخیر زنان قربانی اهداف شوم جنگ سالاران تجاران مذهبی و جنگ خانمانسوز و تجاوزات کشور های بیگانه شده اند که هزارها زن و دختران نوجوان در خشونت های خانوادگی رسوم و عنعنات در محکمه صحرای سنگسار شده و دره زده شد که ارقام ان افزایش یافته است. خشونت های که در این اواخر برای زنان افغان صورت گرفته زخم ناسور است که درماتش سالها طول میکشد ما زنان میتوانیم برای نجات جامعه و نجات خود و نسل آینده درماتش کنیم و به مبارزه دوامدار نیاز است. این وقتی صورت میگیرد که!

ما خود را بشناسیم از حقوق خود آگاه نشویم و به ارزش انسانی خود پی نبریم به آزادی خود نمیرسیم بنا برای این حق دست از مبارزه برنمیداریم که راه مثبت رابرای نسل های آینده داشته باشیم. متأسفانه در افغانستان



کشور مان خشونت در درون خانواده رایج ترین نوع خشونت با زنان است. از مجموع امار هفت ماهه سال ۱۳۹۸ یعنی ۲ هزار و ۷۶۲ مورد حدود ۹۷/۱ در صدر محیط خانه بوقوع پیوسته است. این رقم نشان میدهد که محیط خانه - نا امنترین جای برای زنان در افغانستان به حساب می آید باقی موارد در خیابان یا کوچه - محل کار - یا اداره - شفاخانه - مکتب - دانشگاه - توقیف خانه وزندان ها اتفاق افتاده است. که این امار برای یک جامعه وحشتناک است. از این لحاظ ما باید مبارزه خود را از خانه و خانواده - جامعه - قریه - ولسوالی - و ولایت ادامه دهیم. وقتی یک جامعه به پیشرفت ها نایل میشود که زن و مرد جامعه حقوق یکسان داشته باشند و هیچ نوع نابرابری نباشد.

ما به عقب برنمیگردیم

زنده باد زنان آزادیخواه در سراسر جهان
پر شور باد جنبش زنان در سراسر جهان

چرا خشونت علیه ادامه ی صفحه ی 5

همچنین بسیاری از زنان و مردان در ایران، آموزش کافی در خصوص خشونت را ندارند. بسیاری از مصادیق خشونت های خانگی، جنسی و روانی در فرهنگ ایرانی تعریف شده نیست. بحران های اجتماعی در ایران، عدم منابع کافی برای اطلاع رسانی عمومی از طریق رسانه ها در مورد مسأله خشونت در ایران، ناکارآمدی قوانین، سختگیری دولت در خصوص فعالیت سازمان های غیردولتی و عدم در اولویت بودن زنان قربانی در مورد مسأله خشونت، به همراه بسیاری از عوامل دیگر موجب شده است که بحث کاستن خشونت علیه زنان در ایران نتواند به اندازه ی سایر کشورها در خصوص قوانین حمایتی پیشرفت کند.



برای ارائه راه کار منع خشونت علیه زنان نیاز به یک راه حل جهانی و راه حل های بومی و تاثیر و تعامل آنها با یکدیگر است. در خصوص راه حل های جهانی برای رفع خشونت علیه زنان می توان از تلاش برای مقابله با کلیشه ها، مبارزه با تبلیغاتی که زنان را کلیشه های جنسیتی جلوه می دهد، تاکید بر آموزش از سنین کودکی بر مفهوم برتری جویی و قدرت، نام برد. صحبت کردن از خشونت و ساکت نماندن، همانند آنچه در فضای مجازی با هشتگ «من هم» شروع شد، می تواند تاثیر جهانی و بومی بسیاری بر آگاهی رسانی جمعی در خصوص خشونت علیه زنان باشد.

مسئله این راه حل های جهانی باید همراه با راه حل های بومی وارد عمل شوند. در خصوص ایران علاوه بر اعمال راهکارهای ایجاد شده در خصوص منع خشونت علیه زنان، آموزش و فعالیت فعالان حقوق زنان در حمایت از زنان آسیب دیده خشونت جز اولویت هاست، اولویتی که می تواند با تاثیر پذیری از فعالیت های سایر زنان در سراسر دنیا آگاهی عمومی نسبت به این پدیده را چه در فضای مجازی و چه در فضای حقیقی ایران بالا ببرد.

دارند گوش همه را کر کرده که مردم ایران نمیخواهند دوباره رعیت پادشاه دیگری شوند به فغان آمدند و فریاد میزنند که لطفا بیایید چون ما میخواهیم دوباره رعیت شویم، و نه بخاطر دخالت امریکا یا آوردن یک دموکراسی امریکایی که در عراق شاهد آن هستیم، که چه دموکراسی را برایشان آوردند و افغانستان را شاهدش هستیم، برای آنها به پا نخواستند. مردم ایران برای رفاه خودشان و برای آزادی برای زندگی سعادت مند آزاد و برابر بپا خاستند و این جنبش و اعتراض نمایندگان و صاحبان و سخنگویان خودش را داره، اینها طبقه کارگر و زنان و جوانانی هستند که امروز در خیابانها فریاد میزنند دیگر بس است و فقر نمیخواهیم. نماینده اش از احزاب چپ و سوسیالیستی هستند که یکماه پیش خود جمهوری اسلامی هشدار داد که صدای پای سوسیالیزم میاید، مراقب باشید.

و در مقابلش صف ببندید، در نتیجه این جنبش سخنگویان و نمایندگان و صاحبان خودش را داره، پرچم و افق خودش را داره و طبیعیه که امریکا تلاش کنه در کشمکش خودش با جمهوری اسلامی ازش استفاده کنه و پیامهای همدردی بفرسته و همزمان به حکومتهای مستبد در منطقه اسلحه بفروشه برای اینی که اگر لازم شد جنگ نیابتی را در ایران راه بندازه. به اپوزسیون دست راستی اسلحه بده، به باندهای قومی اسلحه بده، برای اینکه اگر فردا قرار شد ایران با یک انقلاب کارگری روبرو بشه، مثل سوریه ارتش آزادش را تشکیل دهد. امریکا همیشه اینکار را کرده ولی فکر میکنم امروز امریکا شاید یکی از بی ابروترین قدرت جهانی است و مردم بخصوص در ایران، افغانستان و عراق را دیدن دخالتهای بشر دوستانه امریکا برای رفاه و آزادی بر خاسته بودند، دیدند، در نتیجه اهمیتی بهش نمیدهند، این پیام هیچ انعکاسی برای ایران ندارد، شما شاهد یک سرسوزن سمپاتی به مرتجعین نشسته در کاخ سفید توی اعتراضات مردم دیدید؟ تا آنجایی که به اصلاح طلبان بر میگرده ظاهرا دیر به میدان آمدند، ظاهرا از دیماه درس گرفتند و ظاهرا فکر میکنند که دیگه نمیشه که مثل دیماه آنقدر علنی رفت و در کنار کل حاکمیت ایستاد و از سرکوب عریان و آشکار حمایت کرد، در نتیجه سرکوب عریان را محکوم کردن ولی بر طبل انتخابات آزاد میکوبند و فراموش میکنند که مردم انخابشان را توی دیماه 96 کردن، وقتی که گفتن، اصلاح طلب

اصول گرا، دیگه تمومه ماجرا. این انتخاب صورت گرفت. هیچ انتخاب و دموکراسی پوشالی که اینها میخواهند برای جامعه به ارمغان بیآورند توی ایران، توی طبقه کارگر و زنان و مردان آزادیخواه و بین مردمی که زدر خط فقر سالهاست دارن زندگی میکنند، سر سوزنی ارزش نداره. نه انتخابات آزاد. نه حمایتهای امریکا. نه نیروهای پرو امریکایی و پرو ناتوی، امروز توی این اعتراضات جایی ندارد و نمیتوانند، قطعاً تلاش میکنند ولی نمیتوانند مهر خودشان را به پان بزنند، همه اینها روز آخر وقتی که جدال قطعی بین طبقه کارگر و مردم آزادیخواه و جمهوری اسلامی بشه، مطمئن باشید کنار ولی قتی و روحانی و متمم جناحهایی که امروز دارن بهشون بد و بیراه میگویند و سر کوبهای خشونت آمیزشان را محکوم میکنند، فرار میگیرند و بدون اندک تردید در مقابل طبقه کارگر و مردم قرار میگیرند، این نوع حمایتها در جامعه ایران بازاری نداره و مردم تا الان که لاقول همه شاهد هستیم پسیزی ارزش برایش قائل نیستند.

مینو همتی: ظاهرا در داخل رژیم بر سر این اعتراضات اختلاف هست. چند نفر از نمایندگان استعفا داده اند و ظاهرا تعداد دیگری هم در راه اند. همزمان عده ای طرح استیضاح روحانی را به مجلس برده اند. این شکاف چقدر واقعی است و آیا امکانی برای تعرض مردم فراهم میکند؟

آذر مدرسی: ببینید اینکه شکاف افتاده بین خود جمهوری اسلامی، همیشه شکاف داشته ولی شکافش در مقابل مردم نبوده، آنجایی که مسئله بر سر سرکوب مردم بوده، هیچ شکافی ندارن و جهره واقعیشان را در دیماه نشون دادن، بقیه پزهایی است که الان میدهند، خشونت طلبی نکنید، بروید انتخابات آزاد بکنید، آزادی و دموکراسی باید باشه، اینها پز عالی، جیب خالی میکن. اینها بطور واقعی پزه و هیچی دیگه نیست، اینکه اختلافاتی دارند، مسلماً دارند ولی آنجایی که باید برگرده سر آزادیها و رفاه مردم و برگرده سر سرکوب مردم، اون موقع دیگه هیچ اختلافی با هم ندارند. استعفای نمایندگان مجلس را نه بعنوان شکاف در بالا، بلکه بعنوان خطری که طیفی از نمایندگان مجلس دیدن، باید دید، ببینید ما همین مورد را در عراق و لبنان و اسپانیا و یونان و متمم کشورها وقتیکه اعتراضی از پائین شروع میشه، بخشی از حاکمیت وقتیکه میبینه این میتونه جنگ آخر باشه. میکشه کنار و تلاش

میکنه خودش را میرا کنه، از خشم مردم در امان بماند و بگه من مسبب نیستم و سعی میکنه گناه را بندازه گردن دیگران. در طول تاریخ و دهها و دهها مورد توده ای و انقلابات توده ای میتوانید ببینید، در نتیجه اینهایی که گناه را به گردن هم میندازن و پاسکاری میکنند که کی مقصر بود؟ آیا مجلس خیر داشت یا نداشت؟ آیا آقا یا ولی فقیه دستور داد یا نداد، اینها بازیهای است که باز ما ندیدیم که تاثیری داشته باشه، علی رغم تمام این بازیها، تمام این استعفاها، تمام این استیضاحها، علی رغم تمام اینها اعتراض مردم باز هم ادامه داره، در نتیجه این استعفا را بعنوان دیدن خطر جدی از طرف بخشی از نمایندگان ببینیم. در دیماه بخشی از سران رژیم و بخشی از نمایندگان همین مجلس ارتجاعی گفتن که اگر بسوزیم، باید همه با هم بسوزیم. این اقرار از سوخته. این فرار از تعرض مردم که علیه کلیتشان است و دارن دونه دونه جا خالی میدهند، برای اینکه در فردای انقلاب ایران از ضربه و نفرت مردم مصون باشند، چون جمهوری اسلامی هر چقدر هم اختلاف داشته باشند در مقابل ملت متحد تا به حال ایستادن و از این به بعد هم خواهند ایستاد.

مینو همتی: با توجه به مدلای اعتراضی در لبنان و عراق مبنی بر همزمانی اعتراضات خیابانی با اعتصابات محلی، استانی، تصور اینکه مردم بخصوص معلمان و دانش آموزان، کارگران و معلمان و دانشجویان و استادان، کارمندان شرکتهای دولتی و خصوصی برای دفاع از معیشت خود دست به اعتصاب بزنند تا حکومت مجبور به پس گرفتن این حکم ظالمانه شود، چقدر محتمل است؟

آذر مدرسی: ببینید جامعه ایران بخشهای مختلفش بخصوص طبقه کارگر تجربه قدیمی و پربراری از اعتصابات کارگری و به کرسی نشاندن حرف خودش داره، معلمان هم همینطور توی ایران، من فکر میکنم با این تجربه میشه و باید با این تجربه ساخت و باید این اعتراضات خیابانی را با اعتصابات تماما اینها از جمله کارگری و معلمان و اتوبوسرانان و کامیونداران و تاکسیرانان و با اعتصابات عمومی میتوان تقویت کرد، وگرنه مردم هر چند سازمان یافته و متحد و هر چقدر متنفر از جمهوری اسلامی و هر چقدر ملیتان تنها نمیتوانند در خیابان جمهوری اسلامی را شکست دهند، بلکه باید اقتصاد مملکت را فلج کرد. باید قدرت طبقه کارگر، معلم، پرستار، قدرت رانندگان اتوبوس، کامیون و تاکسی و قدرت بخش اعظم تولید کنندگان و گردانندگان واقعی آن جامعه را بکار برد.

برای اینکه جمهوری اسلامی را به زانو در آورد. قدرت در خیابان، قدرت ملیتانی جامعه هست، ولی آن قدرتی که بتونه جمهوری اسلامی را به زمین بزنه، قدرتی است که طبقه کارگر توی کارخانه داره و قدرتی است که معلم و پرستار و تمام کارکنان آن جامعه که بار تولید و بار اداره آن جامعه و بار آموزش و پرورش و بهداشت و همه چیز آن جامعه روی شانه هایش هست، این همون قدرتی که اینها دارند، دانشجویان در دانشگاهها و معلمان و همه اینها. و من فکر میکنم اتفاقا غیر از اینکه چقدر محتمل است یا نه، این گام بعدی است که میتونه اعتراض امروز را گامها بجلو ببره و حتی اگر فقط به یک عقب نشینی جزئی در حاکمیت ایجاد بشه، اما دستاوردی بسیار بسیار عظیمتری برای جدالهای بعدی جامعه با جمهوری اسلامی داره، بدون گره زدن این اعتراضات خیابانی به اعتصابات در محلهای کار و تحصیل، ایت اعتراضات ملیتانیست قابل ستایشه ولی قدرتش اون قدرتی نیست که شما بگوئید به تنهایی بتونه جمهوری اسلامی را بزانو در بیاره. باز هم میشه به تجربه های دیگه و تجربه انقلاب 57 نگاه کرد، که یکی از تجربه هاست و با تجربه بهار عربی و تجربه مصر، همه و همه دارن نشون میدن که ثابت کرده که اعتراض خیابانی در پیوستگی با اعتصاب میتونه پشت هر رژیمی را به زمین بزنه و میتونه توی اون جدال دستاوردهای جدی داشته باشه، اگر به فروپاشی و به زیر کشیدن حاکمیت منجر نشه، میتونه دستاوردهای بسیار بسیار عظیم و بنیادی را در آن جامعه داشته باشه.

و در مقابلش صف ببندید، در نتیجه این جنبش سخنگویان و نمایندگان و صاحبان خودش را داره، پرچم و افق خودش را داره و طبیعیه که امریکا تلاش کنه در کشمکش خودش با جمهوری اسلامی ازش استفاده کنه و پیامهای همدردی بفرسته و همزمان به حکومتهای مستبد در منطقه اسلحه بفروشه برای اینی که اگر لازم شد جنگ نیابتی را در ایران راه بندازه. به اپوزسیون دست راستی اسلحه بده، به باندهای قومی اسلحه بده، برای اینکه اگر فردا قرار شد ایران با یک انقلاب کارگری روبرو بشه، مثل سوریه ارتش آزادش را تشکیل دهد. امریکا همیشه اینکار را کرده ولی فکر میکنم امروز امریکا شاید یکی از بی ابروترین قدرت جهانی است و مردم بخصوص در ایران، افغانستان و عراق را دیدن. دخالتهای بشر دوستانه امریکا برای رفاه و آزادی بر خاسته بودند، دیدند، در نتیجه اهمیتی بهش نمیدهند، این پیام هیچ انعکاسی برای ایران

ندارد، شما شاهد یک سرسوزن سمپاتی به مرتجعین نشسته در کاخ سفید توی اعتراضات مردم دیدید؟ تا آنجایی که به اصلاح طلبان برمیگرده ظاهرا دیر به میدان آمدند، ظاهرا از دیماه درس گرفتند و ظاهرا فکر میکنند که دیگه نمیشه که مثل دیماه آنقدر علنی رفت و در کنار کل حاکمیت ایستاد و از سرکوب عریان و آشکار حمایت کرد، در نتیجه سرکوب عریان را محکوم کردن ولی بر طبل انتخابات آزاد میگویند و فراموش میکنند که مردم انتخاباتشان را توی دیماه 96 کردن، وقتی که گفتن، اصلاح طلب، اصول گرا، دیگه تمومه ماجرا. این انتخاب صورت گرفت. هیچ انتخاب و دموکراسی پوشالی که اینها میخواهند برای جامعه به ارمغان بیاورند توی ایران، توی طبقه کارگر و زنان و مردان آزادیخواه و بین مردمی که زیر خط فقر سالهاست دارن زندگی میکنند، سر سوزنی ارزش نداره. نه انتخابات آزاد. نه حمایتهای امریکا. نه نیروهای پرو امریکایی و پرو ناتوی، امروز توی این اعتراضات جایی ندارد و نمیتوانند، قطعا تلاش میکنند ولی نمیتوانند مهر خودش را به آن بزنند، همه اینها روز آخر وقتی که جدال قطعی بین طبقه کارگر و مردم آزادیخواه و جمهوری اسلامی بشه، مطمئن باشید کنار ولی فقیه و روحانی و تمام جناحهایی که امروز دارن بهشون بد و بیراه میگن و سر کوبهای خشونت آمیزشان را محکوم میکنند، فرار میگیرند و بدون اندک تردید در مقابل طبقه کارگر و مردم قرار میگیرند، این نوع حمایتها در جامعه ایران بازاری نداره و مردم تا الان که لاقل همه شاهد هستیم پشیزی ارزش برایش قائل نیستند.

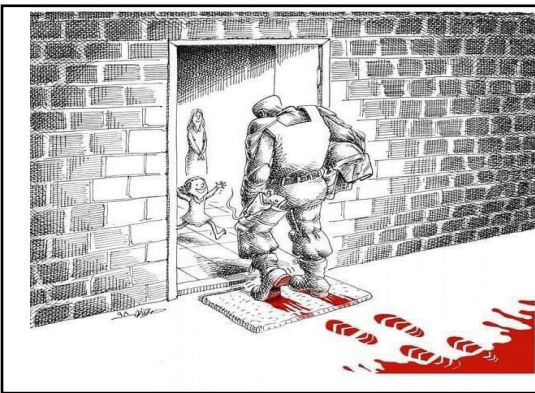
مینو همتی: در پایان اگر پیامی برای فعالین کارگری و رهبران عملی جنبشهای اجتماعی

در این برهه حساس دارید بفرمانید

آذر مدرسی: در پایان قبل از هر چیز باز باید درود فرستاد باین عزیزان، این اعتراضات بدون نقش فعال این فعال این

آذر مدرسی عزیز با سپاس از این نظراتتان را با بینندگان ما سهیم شدید، تا فرصتهای بعدی بدرود

(با سپاس از مرضیه آدمی برای پیاده کردن متن مصاحبه)



خسته ناشی بابا"

کاری از: مانانستانی

عقب ماندگی زنان داشته است، این ساختار زنان را از دستیابی به امکانات و امتیازات اجتماعی باز میدارد و قوانین تبعیض آمیز زنان را بی حمایت میگذارد؛ ترکیب اینها با تبعیض سیاسی و ستم ملی سرکوب را سیاسی و حکومتی میکند.

جنبش زنان در کردستان ایران

بدون شک زنان کورد در وضعیتی بسیار دشوارتر بسر میبرند و وضعیت جنبش زنان کورد بسی دشوارتر از وضعیت زنانیست که در ایران حداقل مورد تبعیض اقلیت ملیتی، انتبکی و مذهبی و غیره قرار ندارند، جنبش زنان کورد از طرفی با تمام زنان دیگر در سراسر ایران برای رفع تبعیض جنسیتی و رسیدن به خواست های مشترک و هدفهای مشترک زنان ایران در فعالیت است و از طرفی برای از بین بردن تبعیض اقلیت ملیتی و مذهبی و ضدیت با آسمیلاسیون و حتی دیگر خواسته های ابتدایی انسانی از قبیل تدریس به زبان مادری و غیره در مبارزه است جنبش زنان کورد امروزه جنبشی همه گیر و سراسری است، در اینجا منظور صرفا از جنبش فعالین حقوق زنان نیست، بلکه تمام زنانی که به نوعی به رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی جنبش سراسری زنان را شامل میشوند حتی اگر این زن مخالف رژیم ، زنی باشد که هیچگونه درک فمینیستی از حقوق زنان را نداشته باشد ، یا حتی اگر زنی بیسواد و یا صرفا زنی خانه دار و کدبانو باشد، در کشوری که سیستم و نظام دیکتاتوری مذهبی و سیستم تنوکراتیک تجاوز ، اعتیاد ، سانسور عقیدتی ، خودکشی و خودسوزی، اسید پاشی به صورت زنان، چاقو کشی، فقر و بی کاری، تن فروشی، کلیه فروشی و غیره رو به افزایش حاکم مطلق است، در کشوری که حتی نفس کشیدن عادی هم نوعی مبارزه برای زیستن به حساب میآید، در کشوری که روز به روز آمارهای اعدام، شکنجه، زندان، است و دیگر همه چیز رنگ مرگ را به خود گرفته، دیگر هر گونه حرکت زنان در جهت مخالف سیاست و سیستم جمهوری اسلامی ایران، جزو بخش مهمی از جنبش زنان به حساب میاید در اینجاست که باید گفت حتی اطلاع رسانی در مورد سرکوب زنان کرد با تبعیض روبرو است و آنطور که باید به آنها پرداخته نمیشود. برای مثال زنانی مثل "ترگس محمدی" و " نسرين ستوده سپیده قلیان ها " که ستم دیده اند و به ناحق گرفته شده اند و آزار میبینند، خیلی بیشتر در رسانه های ملی

و بین المللی مورد توجه قرار گیرند، در صورتی که ما خیلی کم اسم زنان کرد را میشنویم که بخاطر فعالیتهای مدنی یا فعالیت زنان و سیاسی بازداشت شده اند. همه اینها بر جنبش زنان و فعالیت آنها هم اثر داشته است، از یکسو جنبش مرکزگرا نمیتواند دربرگیرنده گفتمان و مسائل زنان کرد باشد و از سوی دیگر محرومیت و سرکوب بیشتر و نگاه " امنیتی " به زنان کرد و جلوی فعالیت آنها را گرفته است. به همین دلیل تبعیضهای چندگانه اعم از جنسیتی، ملی و مذهبی به زنان کرد تحمیل میشود و این فشار بیشتری را از لحاظ اقتصادی و اجتماعی به مردم کردستان وارد میکند که زنان نیز بطور طبیعی مورد ستم بیشتری قرار میگیرند اما با تمام اینها باید به این نکته توجه داشت که زنان کورد ریشه و عامل اصلی اکثریت مشکلات را حکومت جمهوری اسلامی ایران و قوانین تنوکراتیک در این کشور میدانند و براندازی جمهوری اسلامی را به عنوان یکی از اصلی ترین هدفهای خود قرار داده اند همچنین باید گفت، جنبش زنان کورد با هدف تلاش برای رفع تبعیض جنسیتی و ملی، مبارزات خود را همسو با مبارزات حق طلبانه ملی در کردستان ایران میدانند(این مهم لاقل در مورد اتحادیه های زنان احزاب کردی صدق میکند) و حول مبارزاتش بیشتر در چهارچوب احزاب سیاسی کردی امکانپذیر است و قرارداد، چرا که در اینصورت هم مرکزی برای فعالیتش وجود دارد و هم نمیتواند برای ستم ملی و جنسیتی متمایز از هم مبارزه کند حتی اگر خودش بخواهد چون هرگونه حرکتی برای رفع ستم جنسیتی نیز به مثابه "امنیتی و اقدام علیه امنیت ملی" با آن برخورد میشود. علاوه بر اینها گفتمان این اتحادیه ها نیز مبارزه برای رفع این دو ستم را متمایز از هم نمیدانند ، چرا که بر همدیگر اثرگذار هستند، مبارزات خود را با این دو هدف اصلی ادامه میدهد .

<https://kurdpn.net/fa/news/%D9%88%D8%B6%D8%B9%DB%8C%D8%AA-%D8%B2%D9%86%D8%A7%D9%86-%D8%AF%D8%B1-%DA%A9%D8%B1%D8%AF%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86-%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86>
بامید متحدشدن و یکپارچگی تمامی ایرانیان در ایران و سراسر جهان و سرنگونی رژیم جنایتکار و دیکتاتور

(شعری تقدیم به تمام کشته شدگان و خصوصاً کودکانی که بدست جنایتکاران نظام ایران در اعتراضات برحق مردم در آبان ماه کشته شدند.)

شعر از: **شهراده رضائی**

"امید"

بخند را با خجری دیدند،

سروها را با آتش کین شکانند،

شہ بال گردگان را با دوشی پرپر کردند،

و باز ریه های ستنه ی خنده ی کودکان،

نهال مادر میرتباد خزان،

نگه داده بر تنه ی درختان

و بال های کثوده ی جوجه های برآمده از تخم،

خندین، شکستن و پیدین،

آزادی، برابری و رهایی را به تجربه نشسته است.



پژمان قلی پور ۱۸ساله

سکیلا اسفندیانی ۱۴ساله

سانان عیدی ۱۷ساله

امیررضا عبدالمسی ۱۳ساله

نگاهی به آکسیون اعتراضی روز شنبه 23 نوامبر در میدان یرن توریت - گوتنبرگ

همراه لینک های ویدیویی و تصویری

آنچه در میدان یرن توریت گوتنبرگ شاهد بودیم با فراخوان عام «جمعی از فعالان سیاسی و پناهندگان- گوتنبرگ»، در خطاب به آزادیخواهان ، انسان های شرافتمند ساکن گوتنبرگ و حومه! فعالان سیاسی و پناهندگان رانده شده از کشور!

باشعار عمومی: « 40 سال خون گریستیم / بسه دیگه می ایستیم »، همگان را فراخوانده بودیم تا برای پشتیبانی از مردم بپا خاسته ایران و اعتراض به خشونت غیرانسانی حکومت اسلامی ایران، روز شنبه بیست و سوم نوامبر ساعت دو بعداز ظهر در میدان "یرن توریت" - گوتنبرگ گرد هم آئیم.

در این دعوت عام یاد آوردیم؛ ما همه شما آزادگان را مخاطب قرار می دهیم، تا در همصدایی باهم و در محکوم کردن بکاربردن سلاح علیه مردم بی دفاع، به اعتراض بایستیم و شعار مردم ایران را به زبان آوریم:

گرانی بنزین بهانه است / کل نظام نشانه است

ساعت دو روز شنبه، در هوای بغایت سرد و زیر صفر درجه، آکسیون اعتراضی با اقبال عمومی روبرو گردید. گروه بندی مختلف اجتماعی که در دیگر حرکت های شهر جای خود را ندیدند در میدان یرن توریت جای گرفتند. عکس ها و فیلم های تهیه شده خود گویای مضمون حرکت اعتراضی امروز ما بود. تمام مدت شعارها و تکس های اطلاع رسانی به زبان سوئدی ادا می گشت و جمعیت زیادی از سوئدی ها را به خود جلب می نمود.

شعارها و پلاکارد های و عکس های حرکات درون کشور در کنار تصاویر گوناگون از سپیده قلیان در گردن حاضرین در آکسیون بیش از پیش به امر اطلاع رسانی یاری میرساند.

در حرکت روز شنبه نه پرچمی بلند شد و نه نام حزب و گروهی بر زبان جاری گردید - علیرغم اینکه خیلی از فعالان سیاسی و گراپشات مختلف در آن بودند.... حرکت ما در مضمون حرکتی فراگروهی و فرا حزبی برگزار شد و نمایش حضور تعداد چندی از پناهجویان را با خود داشت. حضور جوانان و زنان در این حرکت اعتراضی بر جسته بود.

در پایان به یاد همه جان های که در حرکت مقاومت آمیز فرزندان ما در جای جای کشور و خون های ریخته شده و دفاع از تمامی آنانی که پس از دستگیری امروز در زندان های ایرانند، شعارهایی در دفاع از آزادی بی قید و شرط همه زندانیان دستگیر شده، داده شد و از همان دعوت گردید که در ادامه حرکت های اعتراضی در همین میدان / روز پنجشنبه 28 نوامبر 2019، ساعت 16:30 دقیقه بعد از ظهر در همین آدرس میدان یرن توریت یکدیگر را خواهیم دید.

در حاشیه پایان یافتن آکسیون تا لحظاتی چند علیرغم سردی هوا، جمعیت در ترکیب چند نفری با هم به بحث و گفتگو پرداختند تا برای فائق آمدن به امر پراکندگی نیروهای اجتماعی موجود در شهر یاری برسانند؟

پرسش اساسی این بود و است که چرا علیرغم این همه جنایت و کشتار در پهنه جغرافیای ایران، با وجود 15000 تا 20000 هزار ایرانی در این شهر و حومه، جمعیت قابل توجهی را در این حرکات اعتراضی با خودمان نداریم. عامل اصلی این پراکندگی ها چه کسی و کسانی هستند؟

نقش و موقعیت فعالان سازمان های سیاسی در این میان چیست؟

چگونه می توان ایجاد اعتماد نمود؟

بار دیگر تاکید شد که در حرکت روز پنجشنبه 28 نوامبر 2019، ساعت 16:30 دقیقه بعد از ظهر در همین آدرس میدان یرن توریت، گرد هم آئیم!!

لینک ویدیو: شعار های این ویدیوها به زبان سوئدی و فارسی

<https://www.facebook.com/payam.mohammadi.7/videos/10221434639161356/>

<https://www.facebook.com/payam.mohammadi.7/videos/10221425353409218/>

<https://www.facebook.com/payam.mohammadi.7/videos/10221425354329241/>

لینک آلبوم عکسها

<https://www.facebook.com/pg/AnjomanePanahandganIrani/photos/?>

tab=album&album_id=1454205798051349&_tn=-UC-R

جمعی از فعالان سیاسی و پناهندگان- گوتنبرگ

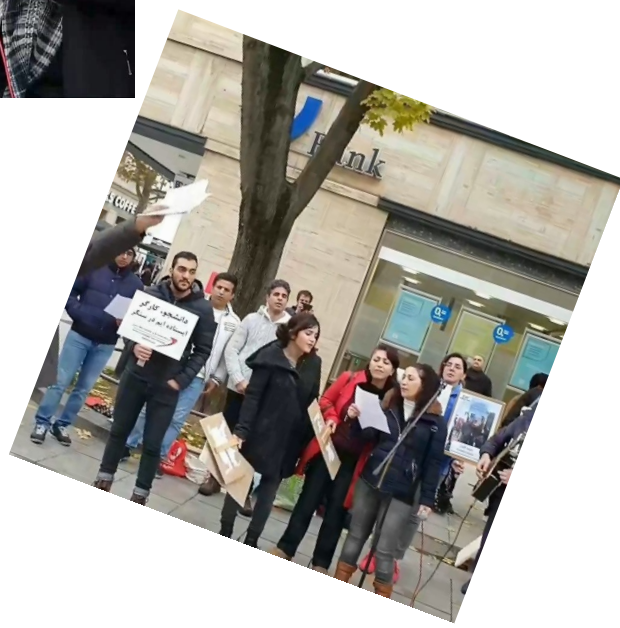
گزارشی از تجمع در حمایت از اعتراضات برحق مردم ایران در شهر اشتوتگارت آلمان

روز شنبه 23 نوامبر 2019 جمعی در حمایت از اعتراضات مردم ایران و افشاگری نظام جنایتکار ایران در جامعه ی جهانی تجمعی به فراخوان گروه همبستگی ایرانی و آلمانی اشتوتگارت برگزار شد.

در این تجمع نمایندگان رهایی زن و همچنین احزاب و جریان هایی دیگر شرکت داشتند که شعارهایی علیه نظام جمهوری اسلامی داده شد. شعارها از جمله: "نه شاه، نه شیخ، نه ملا، دولت بدست شور/ زندانی سیاسی آزاد باید گردد/ حکومت اسلامی نمی خوایم/ جمهوری اسلامی با هر جناح و دسته نابود باید گردد/ کارگر دانشجو معلم اتحاد اتحاد/ حکومت ضد زن مرگت فرا رسیده". از جمله شعارهایی بود که سر داده شد. ضمناً سرود بلاچاو و یار دبستانی در همبستگی با مردم ایران خوانده شد. سپس مهران رضانی گیوی متینی را در دفاع از اعتراضات مردم ایران قرائت کرد.

ضمناً یکی از بستگان یکی از جانباختگان راه آزادی و انقلاب ضمن توصیف عمق جامعه ی که بر جوانان در عرض یک هفته و رژیم هار اسلامی که دست به کشتار بی رحمانه زده است. خواهان ادامه ی مبارزات مردمی تا سرنگونی دیکتاتوری ایران و تشکیل یک حکومت مردمی که تامین کننده رفاه، آزادی و برابری و زندگی بهتر که شأن همه ی انسان هاست، خواستار شدیم.

گزارش از: شراره رضانی



مطالب، نشریه ها و مصاحبه های تلویزیونی سازمان رهایی زن را می توانید از طریق آدرس

های زیر دنبال کنید و با ما همراه باشید

سایت نشریه رهایی زن

<https://rahaizanorg.blogspot.com>

آرشیو مقالات

<http://rahai-zan.blogspot.com>

برنامه های تلویزیونی و مصاحبه ها

<https://www.rahaizan.tv>

تلگرام رهایی زن

@rahaizan

تلویزیون رهایی زن از "کانال یک" روی ماهواره "هات برد" هر هفته دوشنبه ساعت

20:30 و چهارشنبه ساعت 15:00 بازپخش برنامه به وقت تهران می توانید پهنده

تلویزیون رهایی زن باشید.

فرکانس ماهواره:

Chanel One- Hatberd

HoT BIRD

Frequency 11541 vertical

Symbol Rate: 22000

PoI V

FEC 5.6



برای همکاری و تماس با نمایندگان سازمان رهایی زن در کشورهای مختلف

نروژ: شادی و رویاک مطیعی

تلفن تماس: 004790474027

ایمیل: motiei_rojan@yahoo.com

سن دیگو جنوب کالیفرنیا: فیروزه فرهی

تلفن تماس: 858-531-1344

ایمیل: firouzeh.farrahi@yahoo.com

Location: 5240 fiore TER #213

San Diego"Ca 92122

جلسات کانون رهایی زن هر دوماه یکبار برگزار میشود و از طریق فلایر و ایمیل به اطلاع همگان خواهد رسید.

دیگر نقاط آمریکا: مینو همتی

ایمیل: MinoHemati@GMail.com

سوئد-استکهلم: رعنا کریم زاده

تلفن تماس: 0046739286842

گوتنبرگ: وریا نقشبندی

تلفن تماس: 0046705827583

0046705827583

ایمیل: verya.1360@gmail.com

سارا مرادی

تلفن تماس: 0046704499853

ایمیل: sara_tina2003@yahoo.com

آلمان: شراره رضانی

تلفن تماس: 00491737237038

ایمیل: Sharahrezaei.p@gmail.com